



## بانک‌های ایران:

# خصوصی سازی یا خصوصی بازی؟

زیر بار مسئولیت هالنگ می‌زد گذاشته شد. در صورتی که اگر واقعاً حکومت خواستار آن بود که مستقیماً در امور بانک‌ها دخالت کند (که البته هیچ توجیهی برای این کار وجود نداشته و ندارد)، می‌توانست بدون دست زدن به ساختار بانک‌ها، از دوراه زیر عمل کند؛ یا قدرت نظارتی بانک مرکزی را تا سرحد کفایت افزایش دهد و یا با دولتی کردن یک درصد از سهام بانک‌ها و برخورداری از حق وتودر مجامع عمومی، به طور عملی حضور خود را در دایره عملیاتی نظام بانکی بدون یک دگرگونی اساسی، محقق سازد. البته می‌بایست یک درصد سهام دولت نیز پس از تثبیت انقلاب (مثلاً پس از ۱۰ سال) در بازار سهام به بخش خصوصی فروخته می‌شد. سهام افراد و خانواده‌هایی هم که دارایی آن‌ها ملی شده بود، می‌بایستی در بازار سهام عرضه می‌شد. بدین سان، نظام اعتباری کشور، دست نخورده باقی می‌ماند و در این بیست و چندسال، امکان این که خود را به روش‌های بانکداری نوین مجهز کند، بسیار زیاد می‌بود. آن چه مسلم است، نظام بانکداری خصوصی که زیر مراقبت دائم سهامداران باشد، دست کم امکان و اجازه چنین اختلاس‌های نجومی را نمی‌دهد.

اکنون پس از گذشت بیش از دو دهه، به دلیل شکست نظام بانکی دولتی، خصوصی کردن سیستم اعتباری باید به عنوان یک عامل مثبت در نظر گرفته شود. اما شرط اصلی آن است که خصوصی سازی بانک‌ها بتواند به توسعه اقتصادی کمک کند. لازمی این امر، انجام یک سلسله اقدامات اصلاحی است

بر سلامت مالی بانک‌ها نظارت داشته باشد، خود در بست در اختیار دولت قرار دارد. در روزهای اول انقلاب هر عملی که ۱۸۰ درجه با عرف و روش موجود اختلاف داشت،

## خصوصی سازی

### بانک‌ها و ایجاد

### یک بازار مالی

### مطمئن وابسته به

### دهها پیش شرط

### اساسی و از

### جمله استقلال

### واقعی بانک

### مرکزی است

عملی انقلابی محسوب می‌شد. در چنان جوی زیر تأثیر تئوری «اقتصاد اسلامی بنی صدر»، بدون هیچ گونه مطالعه و یا در نظر گرفتن راه‌های دیگر، کلیه بانک‌های کشور و بدون در نظر گرفتن سلامت هر موسسه و لزوم دولتی کردن آن، همگی به مالکیت در کف دولت درآمدند و باری سنگین بر دوش حکومتی که

در خبرها آمده بود که دولت در نظر دارد که بخشی از سهام بانک‌ها را به بخش خصوصی واگذار کند.

دولتی کردن بانک‌ها و دیگر منابع اعتباری، ضربه‌ی سختی را به اقتصاد ایران وارد کرد و سبب شد که سیستم اعتباری کشور در بیست و دو سال گذشته از پیشرفت بازماند. افزون بر آن که برنامه جدید بانکی هم اجرا نشده، بلکه با رشد بوروکراسی فساد آگاه به صورت اختلاس‌های چند میلیارد تومانی (افزایش چشم‌گیری پیدا کرد. در این راستا، بر اثر تضعیف بخش خصوصی، عمده اعتبارات در اختیار مؤسسات دولتی و شبه دولتی قرار گرفت که آن نیز به نوبه خود عاملی در جهت کاهش نقش بخش خصوصی بوده است. منابع اعتباری که نقش اصلی را در توسعه اقتصادی و در نتیجه ایجاد اشتغال دارند، در اقتصادهای آزاد، تنها در صورت برخورداری از بازده اقتصادی، در اختیار متقاضی قرار می‌گیرند، آن هم با شرایط خاصی که در هر مورد بسته به خطرپذیری، طول زمان پروژه، برآورد تغییرات ارزی و غیره محاسبه و تعیین می‌شود، در حالی که این امر در سیستم بانکی دولتی به طور کامل تغییر ماهیت می‌دهد. یعنی، سیستم بانکی تبدیل به یکی از بازوهای متعدد حکومت می‌شود و در نتیجه می‌باید در جهت برآوردن خواست‌های کوتاه مدت دولت، حرکت کند.

سیستم بانکی دولتی در موقعیتی نیست که بتواند آزادانه در مورد اقتصادی بودن پروژه‌ها اظهار نظر کند. مشکل مضاعف در این زمینه آن است که ارگانی ناظر بر نظام بانکی، یعنی بانک مرکزی که می‌بایست به طور دائم

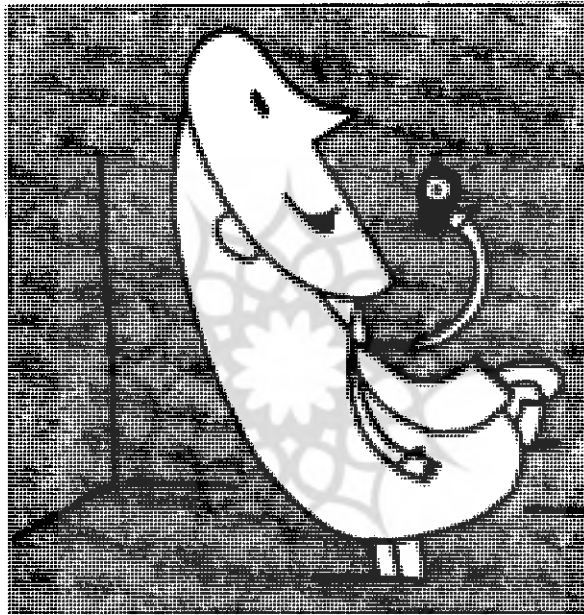
که بدون وجود آن‌ها خصوصی سازی بانک‌ها می‌تواند بر مسائل موجود (که بسیار عدیده است) بیفزاید.

البته باید توجه داشت که هیچ دلیلی در دست نیست که بتوان امیدوار بود که دولت با در نظر گرفتن تضادها و گروه‌های فشار انحصارطلب قادر به انجام این اصلاحات باشد. برای خصوصی سازی به دو روش می‌توان اقدام کرد: اول فروش سهام بانک‌های موجود و یا اجازه تأسیس بانک‌های جدید، به گروه‌های صاحب نفوذ و بنیادها (به صورت نیمه مخفی و پنهانی)، بدون آن که ملت از چند و چون و شرایط آن آگاه شود. در این زمینه، اگر قراردادهای نفتی چند سال گذشته را به یادبیاوریم، متوجه خواهیم شد که این عمل، بسیار خطرناک است و در درازمدت یک عامل منفی دیگر بر اقتصاد ناتوان کشور تحمیل می‌کند، زیرا در این صورت، انحصارات جدیدی در امور پولی و اعتباری بر دیگر انحصارات کشور افزوده می‌شود، با این تفاوت که دولت مجبور به حمایت و کفایت نجات آن‌ها از ورشکستگی است. گرچه ورشکستگی، سرنوشت محتوم آن‌ها خواهد بود اما دولت به خاطر حفظ داری‌های مردم و جلوگیری از اثر دهشتناک ناشی از ورشکستگی آن‌ها بر اقتصاد کشور، مجبور به دخالت و حمایت خواهد بود. (۱) در این زمینه هرچه برده پوشی بیشتر باشد به همان اندازه می‌توان انتظار بروز نتایج منفی شدیدتر را کشید.

دوم، همان شیوه‌ی منطقی است که در جوامع با «حساب و کتاب»، معمول است. این شیوه، عرضه سهام بانک‌های موجود و ایجادید در بازار سهام به همه مردم با شرایط یکسان است. برای موفقیت این امر باید مقدمات زیر از پیش آماده شود و قوانین لازم نیز به تصویب برسد:

۱- مؤسسات اعتباری باید به صورت شرکت‌های سهامی عام اداره شوند. قوانین فعلی، برای این که حقوق سرمایه‌گذاران حفظ شود، کافی نیستند. در ضمن تضمین لازم جهت شفافیت کامل مالی و عملیاتی این بنگاه‌های اقتصادی فراهم نیست. هر سرمایه‌گذار (هرچند کوچک)، باید قادر به دریافت اطلاعات کلی و سلامت مالی شرکت باشد. تراز سه ماهه‌ی هر شرکت باید طبق قانون در اختیار

عموم (چه سهامدار و چه غیرسهامدار)، قرار گیرد. انتخاب اعضای هیئت مدیره و حیطة قدرت و اختیارات آن و شرایط انتصاب مدیرعامل، شیوه تعیین حقوق و مزایا و حیطة قدرت وی باید به صورت کامل، مشخص باشد. همچنین افزون بر آن قانون باید مشخص کند که اعضای هیئت مدیره و کارمندان شرکت تحت چه شرایطی می‌توانند سهام شرکت خود را خرید و فروش کنند. قوانین مربوط به خرید یک شرکت توسط یک و یا چند شرکت دیگر باید روشن شود. کوتاه سخن این که در حال حاضر قوانین و دستورالعمل‌های لازم برای یک اقتصاد امروزی در دست نیست و بدون این قوانین، راه‌های دزدی، اختلاس و سوءاستفاده



به طور کامل، باز است. برای جلوگیری از کنترل بانک‌ها توسط چند فرد، خانواده و یا شرکت و بنیاد، درصد سهامی که هر یک از گروه‌های فوق در هر زمان می‌توانند در آن موسسه دارا باشند نباید از ۵ درصد کل سهام منتشره آن بنگاه مالی بیشتر باشد. قوانین منع سرمایه‌گذاری مؤسسات مالی در سهام مؤسسات تولیدی و خدماتی و بسیاری جزئیات دیگر نیز باید مد نظر قرار گیرد. البته در این میان، بانک مرکزی موظف به اجرای این امور و نظارت بر کارها است.

۲- فروش سهام باید به تدریج در بازار سهام انجام شود. قوانین و دستورالعمل‌های لازم که مانع از تقلب، دستکاری و افزایش و کاهش قیمت سهام به طور تصنعی می‌شود، اعمال نفوذ در جهت حرکت طبیعی قیمت‌ها،

تسویه حساب و پرداخت قیمت سهام و سود حاصله و دیگر قوانینی که بتواند اعتماد توده‌ی سرمایه‌گذاران را جلب کند و منافع حتی کوچکترین آن‌ها را حفظ کند، باید قیلاً با دقت آماده شده باشد.

## نگاهی به ساز و کار بازارهای مالی واقعی

با یک نگاه به وضعیت بورس‌های بزرگ جهان می‌توان به اهمیت این بنگاه‌ها در راستای جذب سرمایه‌های کوچک و ناظر تلاش دایم «سرمایه» برای یافتن بالاترین بازده بود. این بازار، سرمایه‌ی لازم را جهت تحقیق و پژوهش، ایجاد صنایع و خدمات جدید، گسترش صنایع و خدمات موجود، تبدیل صنایع قدیمی که (کم سودترند) به رشته‌های جدید و در نتیجه امکان سود بیشتر در آینده را تأمین می‌کند. صنایع نوپا که نویدفرآورده‌ی جدید و یا بهتر از فرآورده‌های کنونی را می‌دهند، می‌توانند امیدوار باشند که در صورت استقبال سرمایه‌گذاران، سرمایه لازم را به سرعت از طریق این بازار فراهم کنند.

با نگاهی کوتاه به موقعیت بازار سهام در آمریکا می‌توان به اهمیت این موسسه در اقتصاد کلان این کشور پی برد. امروزه بیش از ۵۰ درصد از خانواده‌های آمریکایی، دارای سهام مؤسسات گوناگون از بانک‌های کوچک گرفته تا بانک‌های غول‌آسا، از

کارخانه‌های اتومبیل‌سازی تا رستوران‌های زنجیره‌ای، از پیشرفته‌ترین مؤسسات الکترونیکی تا نانوائی، از صنایع هوایی و نظامی تا مؤسسات خدماتی حسابرسی و یاکاریابی هستند. کوتاه سخن این که همه‌ی بنگاه‌های اقتصادی که شرایط خاصی را دارا باشند، می‌توانند سهام خود را به بورس عرضه کنند. این بدان معنی است که امروزه نیمی از خانواده‌های آمریکایی به طور مستقیم در مؤسسات تولیدی، اعم از صنعتی کشاورزی و یا خدماتی کشور خود سرمایه‌گذاری کرده‌اند و در سرنوشت آن مؤسسات به صورت مؤثر دخالت می‌کنند. افزون بر افراد حقیقی، افراد حقوقی یا سرمایه‌های کوچک و بزرگ که حاصل پس‌انداز موکلین آن‌ها است، در بازار سهام فعالند.

در فعالیت اقتصادی کشور دخالت داشته باشد و فرد در هر لحظه بتواند با بهترین قیمت روز سهام خود را بخرد یا بفروشد. هیچ سیستم موجود دیگری نمی تواند در این مقیاس، مشارکت توده مردم را در به کارگیری ثروت ملی فراهم کند.

سوم - قبل از عرضه سهام لازم است که وضعیت مالی هر بانک معلوم شود. برای این کار لازم است که یک حسابرسی دقیق توسط یک مؤسسه بی طرف انجام شود و نتایج به صورت روشن و در اختیار عموم قرار گیرد. وام های داده شده، بر طبق خطرپذیری آن ها، طبقه بندی شود و وضعیت کارمندان و تعداد آن ها و وضعیت بیمه و بازنشستگی آنان، دقیق و روشن باشد. هرگونه پرده پوشی، از اطمینان سرمایه گذاران به صورت تصاعدی می گاهد و در نتیجه صحنه در اختیار گروه های قدرت و انحصار طلب درمی آید که همیشه می توانند جریان امور را به نفع خود و به زیان توده های مردم تغییر دهند. در ضمن لازم است که در جهت اجرای سیاست عدم تراکم، مرکز بانک ها به شهرهای دیگر، غیر از تهران و به ویژه شهرهای راهبردی مانند تبریز، سنندج، بندرعباس و مشهد منتقل شوند. همچنین اجازه تأسیس بانک های منطقه ای، بخصوص در مناطق محروم، می تواند به عنوان اهرمی برای توسعه آن مناطق به کار رود.

عامل دیگری که نباید فراموش شود، نیاز به یک بانک مرکزی قوی و مستقل از دولت برای نظارت بر بانک ها، حفظ رقابت میان بانک ها، حمایت از حقوق سرمایه گذاران و نظارت بر بازار سهام و تعیین نرخ بهره بر مبنای وضعیت اقتصادی کشور، بدون فشار حکومت است.

باید بار دیگر تأکید کرد که بدون یک برنامه ریزی دقیق و انجام مقدمات که بخشی از آن گفته شد، خصوصی سازی بانک ها هر چند که بسیار مورد نیاز است، نمی تواند به عنوان یک عامل اقتصادی مثبت به شمار رود، بلکه با ایجاد انحصارات جدید مالی باری بر مسایل عدیده کشور خواهد افزود.

فرهاد طالع

سهام خصوصی، می تواند بسیار شدید باشد. برای مثال، سهام شرکت اینتل (بزرگترین سازنده حافظه کامپیوتر) در یک روز بیش از یک سوم ارزش خود یا حدود دو بیست و پنجاه میلیارد دلار از دست داد. حجم سهام معامله شده این شرکت در آن روز به بیش از سیصد میلیون بالغ شد. باید توجه داشت که به مناسبت گردش سریع اطلاعات، با وجود قوانین فراوان و دقیق، هنوز امکان نفوذ در سیستم وجود دارد. به عنوان مثال در تابستان گذشته با یک شایعه دروغ که بر روی یکی از دیدارگاه های اینترنت پخش شده بود، یک شرکت بیولوژی در عرض دو ساعت، حدود دو میلیارد دلار از ارزش خود را از دست داد، تا این که با تکذیب خبر، دوباره ارزش خود را بازیافت.

## قبل از

## خصوصی سازی

## بانک ها، دولت

## باید تکلیف گروه های

## فشار انحصار طلب

## را روشن کند

در اروپا نیز بازار سهام به طور دایم در حال تطبیق خود با شرایط زمان است. بورس های فرانسه و بلژیک و هلند در هم ادغام شده اند. بورس سوئد در تلاش برای خرید و اداره بزرگترین بازار سهام اروپا، یعنی بورس لندن است. کلیه بازارهای مهم سهام در جهان، در حال گفت و گو برای ایجاد یک نظام معاملاتی بیست و چهار ساعته هستند. تمام این شواهد دال بر گسترش و تحول هر چه بیشتر بازار سهام و در نتیجه افزایش نفوذ آن در اقتصاد جهان است. با تمام مسایلی که این بازار دارد، تنها سیستم موجود در جهان است که اجازه می دهد سرمایه افراد هر چند کوچک،

به عنوان مثال: صندوق بازنشستگی جنرال موتورز که دارایی آن بالغ بر یکصد میلیارد دلار است، در صد معینی از دارایی خود را به صورت سهام آمریکایی و در صد کمتری را به صورت سهام کشورهای دیگر نگاهداری می کند. بقیه دارایی به صورت خرید اوراق قرضه، سپرده نزد بانک ها، سرمایه گذاری در پروژه های بزرگ ساختمانی و ارزش خارجی است. از دیگر بازیکنان بزرگ بورس، موسسات مالی اند که «سبدهی از سهام های مختلف» را عرضه می کنند. سرمایه گذاران با شرکت در این طرح، خطر خود را در مقایسه با یک و یا چند سهام بخصوص، کاهش می دهند.

چندین بازار سهام در آمریکا وجود دارد که مهم ترین آن ها بازار سهام نیویورک NYSE و NASDAQ هستند. بازار نخست، دارای تالار معاملات است و دومی دارای مرکز معاملاتی نیست. همه کسانی که دارای حساب نزد یکی از کارگزاران بورس باشند، به نسبت دارایی خود (که در هر زمان روشن است)، می توانند به طور مستقیم از طریق رایانه، سهام را بخرند یا بفروشند.

با نگاهی به حجم معاملات روزانه ی این دو بازار، می توان به اهمیت نقش «بورس» در زندگی روزانه مردم پی برد و در عین حال باید توجه داشت که تا چه اندازه وجود و اجرای قوانین دقیق، برای حمایت از سرمایه گذاران و جلوگیری از حیف و میل، حساب سازی، ایجاد نوسانات مصنوعی، شایعه پراکنی و ... لازم است. حجم معاملات روزانه در بازار NASDAQ به دو میلیارد و نیم سهم و در NYSE به بیش از یک میلیارد سهم می رسد. حجم پولی بازار NASDAQ در بعضی از روزها، از مرز یکصد میلیارد دلار می گذرد. بدون وجود اطمینان که کلیه حساب ها با دقت کامل در زمان تعیین شده تسویه می شود، رسیدن به این حجم معامله غیر قابل تصور است. در ضمن اگر کارمزد خرید و فروش بالا نگاه داشته می شد، تعداد کثیری از سرمایه گذاران، به ویژه سرمایه گذاران کوچک، از شرکت در این سرمایه گذاری ملی، محروم می شدند. به عنوان مثال کارمزد خرید و فروش هزار سهم، در حدهفت، هشت دلار است. یعنی برای یک معامله که می تواند یکصد هزار دلار و یا بیشتر باشد، این میزان کارمزد بسیار ناچیز است.

به مناسبت حجم زیاد معاملات، سرعت گردش اطلاعات (سیاسی و اقتصادی) و امکان سرمایه گذاری های دیگر، نوسانات بورس و یا

۱- این حمایت و دخالت هم اکنون هم جریان دارد. خوانندگان گرامی برای پی بردن به این امر می توانند به مطلبی که در شماره گذشته این مجله و زیر عنوان «خرج که از کیسه مردم بود...» مراجعه فرمایند.